

ضابطه مندی فعالیت سیاسی و کاهش هزینه‌های آن در طرح جرایم سیاسی

شش ماه را ارائه کردند که آن هم به تصویب نمایندگان نرسید. داود سلیمانی در ضرورت طرح، برخوردهای سلیقه‌ای و تفسیر سیاسی از قانون را نادرست می‌داند که به موجب این برخوردها خیلی از دستگیری‌ها و زندانی‌هایی که صورت می‌گیرد اگر قانون روشنی در این زمینه داشته باشیم، این همه برخوردهای غیراصولی با اندیشمندان - سیاسیون و کسانی که یک نقدی می‌کنند و جوب نقدشان را باید در زندان بخورند - ما به دلیل این که فلان قاضی، یا فردی که با تفسیر سیاسی یا سلیقه‌ای حکم می‌دهد و باید افرادی به شکل موقت سال‌ها در زندان باشند، وجود نخواهد داشت.

سلیمانی تأکید دارد که شفاف کردن حدود فعالیت سیاسی برای ایجاد بستری سالم و تضمین امنیت برای فعالیت سیاسی بالاخص در این برهه ضروری است و زمانی که استراتژی توسعه سیاسی یکی از مهم‌ترین امور کشور و برنامه اصلاحات است، باید این امر را بیش از پیش مدنظر قرار داد. بورقانی ایسای طرح را چنین بیان می‌کند: «ضابطه مندی فعالیت سیاسی در حوزه سیاست، تسهیل فعالیت سیاسی، کاهش هزینه‌های فعالیت‌های سیاسی و روشن کردن حدود و ثغور آن».

وی در تعریف طرح می‌گوید: «در قالب تعاریف، حق حکومت بر مردم در نظر گرفته شده، ولی در اینجا با الهام از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه هم برای حکومت در قبال مردم حق قائل شده است و هم برای مردم در برابر حکومت و این حق دو طرفه است. دوم آن که تلاش شده فعالیت‌های سیاسی به سمت عملیات غیرخشونت‌آمیز و روندهای مسالمت‌آمیز هدایت بشود. سوم، کسی که وارد عرصه سیاسی می‌شود باید از هزینه‌هایی که می‌پردازد مطلع باشد و این که اگر خطا کرد جرم آن چیست. زیرا ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم و ناپختگی در برخوردها اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین ضروری است هزینه کار سیاسی در کشور روشن بشود».

بورقانی در بیان پیشینه تاریخی جرم سیاسی گفت: «۹۵ سال است که این واژه وارد مفاهیم حقوقی ایران شده است، اما هنوز - چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب - هیچ‌یک از سیاسیون در محکمه سیاسی به عنوان متهم سیاسی محاکمه نشده‌اند، اصل ۱۶۸ قانون اساسی هم ۲۲ سال است در این حوزه معطل مانده است».

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده دوم، در تعریف جرم چنین آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود». در سابقه این اصل قانونی، قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ با ذکر مصادیقی از این جرم وجود دارد. در متمم قانون اساسی نظام گذشته نیز، این موضوع ماده‌ای را به خود

طرح جرایم سیاسی در جهت تحقق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در کمیسیون مشترک امنیت ملی و سیاست خارجی و کمیسیون قضایی مورد بررسی قرار گرفت. انگیزه طراحان در راستای به فعلیت رساندن هرچه بیشتر ظرفیت‌های قانون اساسی و ازسوی دیگر افزایش خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی شهروندان و همچنین گسترش مشارکت مردم در زمینه‌های متفاوت و در پی آن، فعال شدن احزاب و گروه‌ها پس از دوم خرداد بوده است. نمایندگان معتقدند که اجزای این قانون چالش‌های مسالمت‌آمیز را جایگزین حرکت‌های غیرقانونی و بعضاً خشونت‌آمیز می‌نماید. تعریف جرم سیاسی و مشخص شدن مصادیق آن نیز موجب قانونمند شدن عمل سیاسی در کشور خواهد شد و تکرر سیاسی‌ها در جامعه نهادینه خواهد کرد. محمدرضا سعیدی می‌گوید: «شایسته نظام جمهوری اسلامی نیست که با افرادی که دارای انگیزه شرافتمندانه هستند، همانند دیگر مجرمین رفتار شود، زیرا در بحث جرایم سیاسی عنصر معنوی که همان انگیزه‌های اخلاقی و انگیزه‌های سیاسی معطوف به تعالی جامعه است دخالت دارد». وی یادآور می‌شود که این طرح در راستای برنامه سوم توسعه نیز قرار دارد زیرا در برنامه سوم در فصل مربوط به امور قضایی ارتقای کیفی و افزایش کارایی محاکم و تخصصی کردن آنها از اهداف برنامه است.

نکته دیگری که در انگیزه طراحان مؤثر بوده است، حساسیت دنیا به مسئله حقوق بشر و وضعیت مجرمان سیاسی کشورها می‌باشد تا از این طریق در راستای منافع ملی گام مفیدی برداشته شود.

علی حسینی نماینده مردم نهاوند نیز در رابطه با لزوم طرح می‌گوید: «جرم سیاسی مدعی مردمی دارد و مرتکب جرم سیاسی طرفدار مردمی دارد و مردم در مورد او اظهار نظر می‌کنند و نسبت به او حساسیت دارند. وقتی جرم سیاسی را در همه دادگاه‌ها می‌بریم، ذهن مردم نسبت به تمام دادگستری مشوش می‌شود. بنابراین بهتر است دادگاه‌های خاصی را به این جرایم اختصاص بدهیم، اگر در آن دادگاه‌ها هیئت منصفه هم باشد، طبیعتاً ذهنیت مردم کمتر بدبین می‌شود». وی با اشاره به گذشته که جرایم ضدامنیتی تحت این عنوان در دادگاه‌های خاصی محاکمه می‌شدند، ذهن مردم نسبت به تمام دستگاه دادگستری مشوش نمی‌شد. وی در سخنان خود به دادگاه‌هایی اشاره کرد که یک قاضی جوان حکمی را برای قصاص یک انسان در جامعه صادر می‌کند که این کار در دنیا کم سابقه است. ابتدا پیشنهاد سلب فوریت طرح مطرح شد با این استدلال که گزارش کمیسیون مشترک تهیه نشده است. اعضای کمیسیون یادآور شدند که کار کارشناسی کافی روی طرح صورت نگرفته، سپس مسکوت ماندن طرح به مدت

اختصاص داده بود، ولی جرایم سیاسی عموماً در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌گردید. با این همه، در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی دادگاه صالح و نحوه تشکیل آن را مشخص کرده است. این اصل می‌گوید: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه هر محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، [تعریف، تعیین و تطبیق شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.»

لایحه قانونی رفع محکومیت‌های سیاسی مورخ ۵۸/۱/۸ مصوب شورای انقلاب، قانون بازسازی نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۰ و قانون

فعالیت احزاب و جمعیت‌های سیاسی و صنفی مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سوابقی را نشان می‌دهد که ناشی از دغدغه پرداختن به این اصل از قانون می‌باشد.

نماینده دولت نیز در موافقت با اصل طرح به سابقه این اصل قانونی که به قانون اساسی مشروطه بازمی‌گردد اشاره نمود و روح این اصل که نگاه مثبت به اصل فعالیت سیاسی است باعث می‌شود که مجرمان سیاسی از مجرمین عادی تفکیک گردند و اصرار بر این بوده است که در محاکم علنی محاکمه صورت پذیرد. وی تدوین این اصل را توسط خبرگانی که مظهر اراده ملت بوده‌اند دانست و در رابطه با طرح یادآور شد که منظور، محدود کردن قاضی نیست؛ زیرا قاضی همیشه در محدوده

قانون محدودیت دارد. پس از آن که کلیات طرح به تصویب رسید، مواد طرح جهت رای نمایندگان قرائت گردید. ماده یک این طرح بنا بر پیشنهاد کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی چنین است:

فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هرگاه به انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر یا حاکمیت دولت یا مدیریت سیاسی کشور یا مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان و آزادی‌های قانونی ارتکاب یابد، جرم سیاسی به‌شمار می‌آید.

تبصره ماده یک به این قرار است: صرف بیان عقیده و نظر در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن و انتقاد از عملکرد مسئولین امر و نهادهای قانونی، مشمول عناوین مجرمانه نبوده و از این حیث قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد.

موافقان این ماده - با استفاده از نظر حقوقدانان - دو محور اصلی را در بررسی جرایم، مورد توجه قرار داده‌اند که این دو محور معنوی و درونی و اجرایی و بیرونی است. ضابطه بیرونی و اجرایی که برای تشخیص سیاسی بودن جرم مدنظر است، به نتیجه عمل نظر دارد، بدون آن که به انگیزه جرم توجه بکند. به همین جهت در تعریف اهداف و عناصر بیرونی آمده است، از سوی دیگر انگیزه در جرم سیاسی از نکته‌های کلیدی و مهم است. منظور

از انگیزه، منافع شخصی نمی‌تواند باشد. همچنین جرایم سیاسی عمدتاً مبنی بر انگیزه‌های اخلاقی و خیرخواهانه و شرافتمندانه است.

محمدرضا سعیدی می‌گوید: «ارتکاب جرایم سیاسی به منظور خشنودی جامعه است، ولو همه ما مخالف آن باشیم. مثلاً فردی با انگیزه‌های مخلصانه تجمی را به هم می‌زند، حزب‌اللهی و متدین هم هست اما برخلاف مصالح نظام، تجمی را به هم زده، با آن که انگیزه خیرخواهانه هم دارد، ما نمی‌توانیم کسانی که دارای این انگیزه‌های خیرخواهانه هستند در کنار متهمانی قرار دهیم که دزدی می‌کنند. بنابراین حقوق سیاسی شهروندان هم در اینجا مطرح می‌شود. وی به سخنی از حضرت علی (ع) تأکید نمود که فرموده است پس از من با خوارج نجنگید، زیرا کسی که طلب حق می‌کند و به خطا می‌رود، اما خیال می‌کند که کار درستی انجام داده، مانند کسی نیست که به دنبال باطل می‌رود و سوه‌نیت دارد.»

یکی از ایرادات مخالفان به این اصل در مورد امتیاز قائل شدن برای مجرمی است که علیه مصالح نظام اقدام کرده است. ولی کاظمی عضو کمیسیون قضایی در موافقت با این ماده، آن را مطابق با ماده دوم قانون مجازات اسلامی و در راستای اصل ۱۶۹ قانون اساسی که مجازات بدون ضابطه افراد را ممنوع کرده و همچنین ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌داند.

تعریف جرایم سیاسی باعث بحث‌های چالش‌برانگیزی شد، ولی سرانجام به تصویب نمایندگان رسید. علاوه بر این بحث‌ها از سوی شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفت. آرمین می‌گوید اساساً شورای نگهبان هرگونه اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی و حکومت دینی را مصداق خروج بر حکومت محسوب نموده و بر این اساس اصلاً مجرم سیاسی نداریم و مخالف علیه نظام، یاغی و باغی تلقی می‌شود و با این دیدگاه مخالفت نظام، خروج بر حکومت است. بخش اصلی ایرادات شورای نگهبان مواد طرح از همین بینش ناشی می‌شود.

ماده ۲ مصادیق جرایم سیاسی است که به این قرار به تصویب نمایندگان رسید:

- ۱- تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیت با هدف برهم زدن امنیت سیاسی کشور و یا عضویت در هریک از آنها.
- ۲- اجتماع و تباہی به منظور ارتکاب جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور و یا فراهم نمودن وسایل ارتکاب آنها.
- ۳- سلب آزادی فردی افراد ملت برخلاف قانون و یا محروم نمودن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی به منظور برهم زدن امنیت ملی و جلوگیری از شرکت در انتخابات و مانند اینها.

صرف بیان عقیده و نظر در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن و انتقاد از عملکرد مسئولین امر و نهادهای قانونی، مشمول عناوین مجرمانه نبوده و از این حیث قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد



۴- توهین به رئیس کشور خارجی که در قلمرو خاک ایران وارد شده است، با رعایت شرط معامله متقابل.

۵- فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام.

۶- کلیه جرایم انتخاباتی (جرایم مندرج در قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان).

۷- جرایم مندرج در قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده.

۸- توهین به رؤسای سه‌قوه، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان در حین انجام وظیفه یا به سبب آن.

می‌شود و در صورت محاربه اصلاً مجوزی به آنها داده نمی‌شود و این موضوعیت ندارد که حزب یا گروهی در اساسنامه‌اش خواهان براندازی باشد و اجازه فعالیت قانونی هم داشته باشد.

ماده ۴ طرح اختصاص به این دارد که جرایم سیاسی در دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر مرکز هر استان، مشکل از یک رئیس و دو دادرس به انتخاب رئیس دادگستری استان با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی رسیدگی می‌شود. در تبصره آمده است:

سابقه قضایی رئیس دادگاه رسیدگی کننده به جرایم سیاسی نباید کمتر از ده سال باشد. در صورت فقدان چنین شرطی در قضات استان رسیدگی کننده از قضات استان‌های دیگر استفاده خواهد شد.

محمدرضا سعیدی در توضیح این ماده به موارد متعددی اشاره کرد که قاضی کم تجربه‌ای متولی رسیدگی به مسئله مهمی در جامعه بوده و چون از تجربه لازم برخوردار نبوده لذا حکم و یا لغو حکم تبعاتی منفی در جامعه به همراه داشته است، لذا به همین دلیل تأکید روی وجود دونفر دادرس و تجربه قاضی شده است. ماده ۵ اختصاص به اتهام شرکا و معاونان در جرم سیاسی دارد که با ایراد شورای نگهبان روبه‌رو شده و در کمیسیون حذف گردید.

ماده شش نیز تشخیص سیاسی یا غیرسیاسی بودن جرم انتسابی را به دادگاهی محول کرده که پرونده به آن ارجاع گردیده و در تبصره آمده است که در صورت اعتراض متهم یا وکیل او به تشخیص دادگاه، همان دادگاه با حضور هیئت منصفه و خارج از نوبت رسیدگی کرده و اگر نظر هیئت منصفه بر سیاسی بودن اتهام وارده باشد، دادگاه نظر هیئت منصفه را رعایت نماید. این ماده بحث‌های موافق و مخالف زیادی را برانگیخت و با ایراد شورای نگهبان روبه‌رو شده و سرانجام در کمیسیون، حذف گردید.

بورقانی در موافقت با ماده یادشده به نظرات مطرح شده در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی اشاره کرد، به طوری که یکی از اعضا^(۱) گفته است: «ما در اسلام کلمه هیئت منصفه نداریم، ولی محتوایش را داریم، در فقه هم آمده است که عده‌ای از فضلا و اهل علم در محضر قاضی حاضر

۹- تحریض و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه حیثیت و منافع نظام جمهوری اسلامی در داخل یا خارج از کشور.

همچنین تبصره این ماده جرایم زیر را در صورت انطباق با ماده یک طرح سیاسی قلمداد کرده است:

الف- افشا و انتشار اطلاعات، اسناد و تصمیمات طبقه بندی شده مربوط به سیاست‌های داخلی و خارجی کشور.

ب- ایراد افترا و نشر اکاذیب به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی. متن ماده ۳ که به تصویب رسیده چنین است:

جرایم خشونت آمیز ذیل، جرم سیاسی محسوب نمی‌گردند، هر چند با انگیزه سیاسی و به قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین هدف‌های آن و یا تسهیل وقوع آن تحقق یافته باشند.

الف- سوء قصد به جان افراد، قتل عمدی، مباشرت یا معاونت و شروع به آن

ب- آدم ربایی، هواپیماربایی، گروگان گیری

پ- بمب گذاری و تهدید به آن

ت- ایجاد حریق ث- جاسوسی ج- تجزیه طلبی

مخالفان این ماده واژه محارب، ضدانقلاب و برانداز را مطرح می‌کردند که اگر در دادگاهی علنی با حضور هیئت منصفه به این جرایم رسیدگی شود، دیگر چیزی از نظام باقی نمی‌ماند.

موسی قربانی این ایراد را مطرح کرد که ضدانقلاب هر چند خشونت آمیز و یا برانداز غیر خشونت آمیز باید در این ماده لحاظ شود. وی با تأکید بر این که برانداز کسی است که رسماً در اساسنامه‌اش براندازی نظام را مطرح کرده، چه با تظاهرات غیر خشونت آمیز و چه خشونت آمیز، پس جای محارب و برانداز کجاست.

اما مزروعی در موافقت با ماده یادشده اظهار داشت که اقدام‌های تروریستی و محاربه شامل این قانون نمی‌شود؛ زیرا تمام گروه‌های سیاسی خواهان فعالیت سیاسی، اساسنامه و مرامنامه‌شان به کمیسیون احزاب داده

باشند تا جلوی اشتباهات قاضی را بگیرند و به او در تشخیص جرم کمک کنند. بنابراین ریشه در فقه اسلامی دارد. مسائل سیاسی، مسائل مهمی است که در معرض لغزش است. قاضی که فرشته الهی نیست.

بوزقانی هر ادامه اظهار داشت: امام خمینی (ره) فرموده است قاضی علاوه بر عدالت و توانایی داوری، باید مجتهد باشد و قضاوت غیر مجتهد باطل است. اما اکثریت قضات محاکم مآذون هستند و مجتهد نیستند؛ بنابراین

هیئت منصفه هم می تواند مآذون باشد. ضمن این که هیئت منصفه هرگز قضاوت نمی کند، بلکه به عنوان وجدان افکار عمومی نظر می دهد که آیا اصل برافت جاری است یا خیر. بوزقانی وجود هیئت منصفه را به نوعی مداخله افکار عمومی برای جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی قدرت حاکم و جلوگیری از نفوذ حقوق شهروندان مطرح نمود.

قربانی به عنوان مخالف این ماده، دخالت و دست برداردن هیئت منصفه به قاضی را غیر حقوقی و مخالف قانون اساسی دانست، ولی میردامادی در موافقت گفت: "درست

است که نظر قاضی نظر نهایی است، اما در جرم سیاسی یک طرف دعوا حاکمیت است. بنابراین باید نحوه رسیدگی بر بی طرفی کامل قاضی باشد و وجود هیئت منصفه باعث می شود که زمینه اعتماد عمومی به قوه قضاییه بیش از پیش فراهم شود. در واقع، شاه کلید قانون جرایم سیاسی، وجود هیئت منصفه می باشد."

یک ماده هم ترکیب هیئت منصفه را مشخص کرده است که سنی شده به سمت هیئتی که نمایندگی افکار عمومی را کامل تر کند، متمایل باشد تا به جای آن که اعضای هیئت از نهادهای دولتی انتخاب شوند. این هیئت مرکب از استاندار، رئیس شورای اسلامی مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان، دو نفر نماینده مجلس شورای اسلامی و اعضای از بین اقشار مختلف اجتماعی مانند روحانیون، معلمان، دانشجویان، استادان دانشگاه ها، پزشکان، نویسندگان، خبرنگاران، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، کارگران، اصناف و کشاورزان انتخاب می شوند. نحوه انتخاب نیز مشخص شده است. ماده دیگری مراجع رسیدگی کننده به جرایم سیاسی را مکلف به پذیرش وکیل در تمامی مراحل رسیدگی می کرد، به طوری که اگر دادگاهی حق حضور وکیل را در مراحل مختلف رسیدگی (مراحل بازجویی، بازپرسی، جلسات دادرسی تا صدور رأی نهایی در دیوان عالی کشور) از متهم سلب کند، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی می باشد.

داود سلیمانی در توضیح این ماده، مصوبه مهرماه ۱۳۷۰ را ملاک قرار داد که در اختلافی که بین مجلس و شورای نگهبان صورت گرفته و سرانجام به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت رسید، این مطلب آمده بود که هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی می باشد و مجازاتی را

برای آن در نظر گرفته است. عین این مصوبه در این ماده آمده است. در صورتی که قربانی در مخالفت خود با ذکر این که "اگر ماهیت رأی درست باشد، عدم حضور وکیل به آن سرایت نکرده و ماهیت رأی را مخدوش نمی کند،" به مصوبه ای در مجلس پنجم اشاره کرد که طی آن شنود تلفنی ممنوع شده بود و برای ضمانت اجرای آن اطلاعاتی که از شنود تلفنی به دست می آید فاقد اعتبار قضایی شناخته می شود. قسمت دوم این مصوبه

را شورای نگهبان رد کرده بود، زیرا ممکن است اطلاعات صحیحی ولو از مجرای غلط به دست بیاید. نمی شود گفت این آقا که این حرف را زده حرف او فاقد اعتبار است.

این ماده پس از تصویب با ایراد شورای نگهبان روبه رو گردید و سپس در کمیسیون حذف گردید. کمیسیون امنیت اظهار داشت که در رابطه با ایرادات شورای نگهبان کلیه مواد در رابطه با نحوه رسیدگی و محاکم و هیئت منصفه را حذف کرده است. زیرا در طرح هیئت منصفه مشروحاً بدان پرداخته شده است. لذا برای تسریع در روند این مصوبه آن موارد را حذف نموده است.

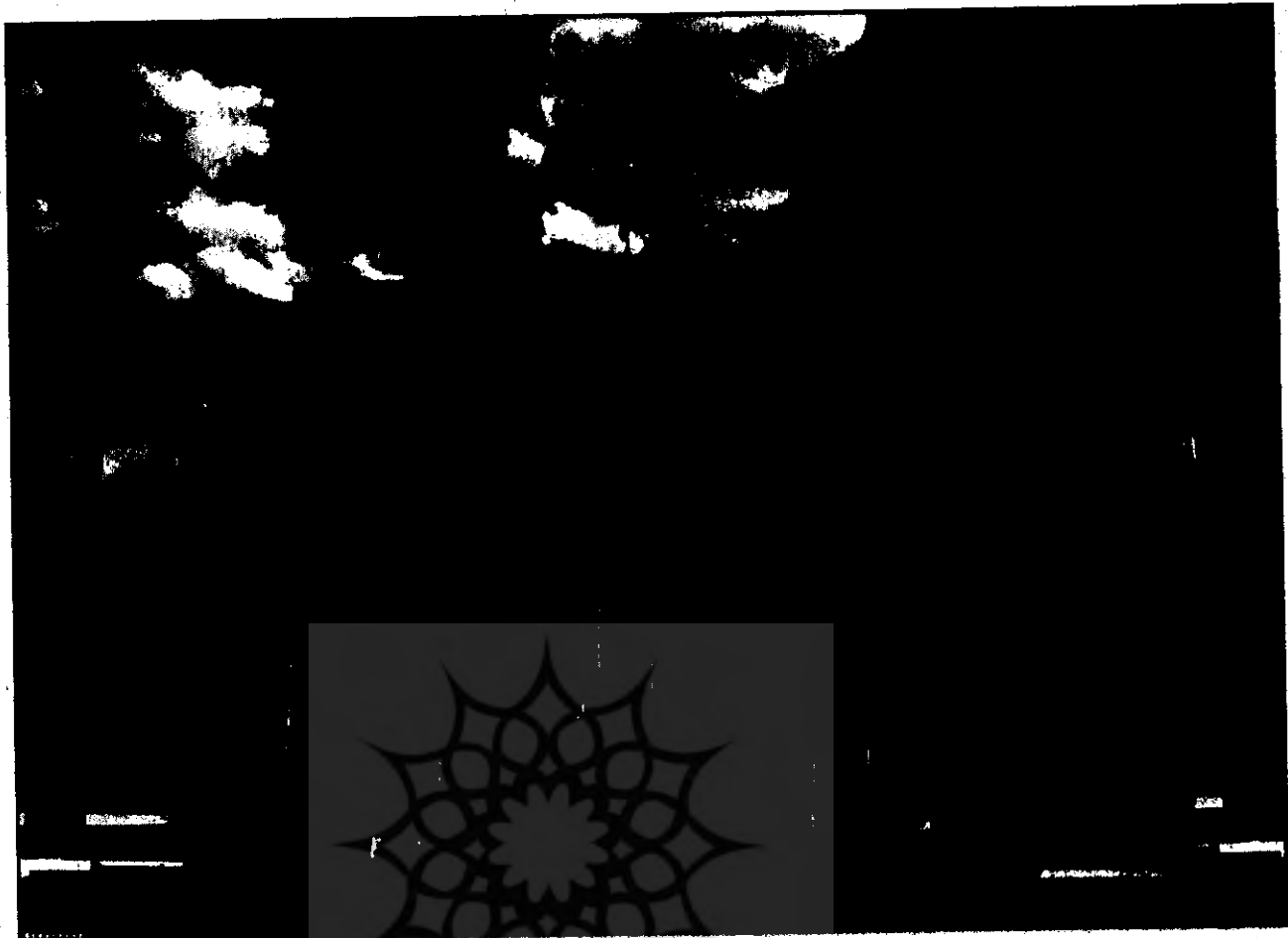
یک ماده هم به حقوق و امتیازات ویژه محکومان و متهمان سیاسی اختصاص یافت، از جمله: جدا بودن محل نگهداری متهمان سیاسی از مجرمان عادی - نمی توان آنان را به پوشیدن لباس زندان موظف نمود - دستبند زدن به محکومان و متهمان سیاسی ممنوع است - نمی توان آنان را در زندان انفرادی نگهداری کرد، مگر از بیم تبانی و در این صورت مدت انفرادی نباید از پانزده روز تجاوز کند و هر روز انفرادی معادل دوازده روز زندان عادی محسوب می شود - بر خورداری از حق ملاقات مستمر با بستگان - حق دسترسی به کتب و نشریات مجاز برای عموم و رادیو و تلویزیون با هزینه شخصی محکوم، و خلاصه آن که نمی توان آنان را در طول محکومیت به کار اجباری واداشت.

اما سه بند ماده فوق مشمول ایراد شورای نگهبان و حذف از سوی کمیسیون گردید. این سه بند عبارتند از: احکام تکرار جرم درباره محکومان سیاسی جاری نخواهد بود - پیشینه محکومیت به جرایم سیاسی موجب هیچ گونه محرومیت از حقوق اجتماعی نمی شود - مجرم سیاسی مشمول قواعد حاکم بر استرداد مجرمان عادی نیست.

آخرین ماده که به موجب آن: محکومین سیاسی یا همه متهمانی که به دلایل سیاسی تحت پیگرد و محاکمه بوده و محکومیت آنان قطعی نگردیده، در صورت تقاضا باید مجدداً بر اساس این قانون مورد رسیدگی و محاکمه قرار گیرند و در ادامه می افزاید آثار تبعی مجازات محکومین یا متهمان سیاسی موجب هیچ گونه محرومیت از حقوق اجتماعی آنان نمی شود؛ که این ماده هم پس از ایراد شورای نگهبان، حذف گردیده است. می توان امیدوار بود که با وجود شش بار برگشت این طرح از سوی شورای نگهبان و حذف و تعدیل های صورت گرفته در مواد آن، در صورت

جرایم سیاسی عمدتاً مبنی بر انگیزه های اخلاقی و خیر خواهانه و شرافتمندانه است

شاه کلید قانون جرایم سیاسی، وجود هیئت منصفه می باشد



تصویب از سوی مجمع تشخیص مصلحت، به طور نسبی ظرفیت بالقوه موجود در ماده ۱۶۸ قانون اساسی به منصفه ظهور برسد. تأکید اخیر رئیس جمهور بر تصویب این طرح نوعی حمایت از حقوق حقه شهروندان خصوصاً محکومین و متهمین سیاسی در آستانه انتخابات مجلس هفتم می باشد.

چگونه قانون دور زده می شود؟

در استیضاح وزیر مخابرات

مجلس شورای اسلامی در آبان ماه گذشته، استیضاح وزیر مخابرات را در دستور کار خود قرار داد. این استیضاح نیز مانند سه استیضاح قبلی مجلس ششم، روال معمول خود را طی کرد و وزیر رأی اعتماد گرفت، از جهاتی قابل توجه بود. این استیضاح موارد تخصصی و فنی در حوزه عملکرد وزیر را در برمی گرفت و به هیچ وجه شائبه سیاسی کردن قضیه در آن به چشم نمی خورد. استیضاح کنندگان هر کدام دلایل مستندی داشتند، فارغ از برکاتی که در استیضاح وجود دارد و آن تسریع در امکانات و تمهیداتی که برای شهروندان گدازک دیده شده و به موجب آن امکان دسترسی بیشتر شهروندان را در امر مخابرات فراهم می کرد، از بحران هایی پرده برداشت

که همواره دستگاه مخابرات را مورد تهدید قرار می دهد و نشان داد که تأکید و پافشاری بر اجرای قانون می تواند با امور غیرقانونی مقابله کند. جریانات غیرقانونی تهدیدی جدی برای دستگاه های اجرایی بوده و برای انجام مقاصد خود به توجیهاتی دست زده و از کانال های غیررسمی و یا رسمی غیروفاقدار به قانون در امور اجرایی استمداد می طلبند.

یکی از مسائلی که استیضاح کنندگان به آن پرداختند، ابطال سه مناقصه انجام شده بود که به محور ناکارایی و ناتوانی لازم برای تصمیم گیری های حیاتی و اصولی وزارتخانه مربوط می شد و همچنین تجهیزات برای شبکه فیبرنوری کشور، که بنا بر ادعای نمایندگان به خسارتی نزدیک به ۶۰ میلیارد ریال در روز بالغ می گردد. این مناقصه در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ انجام شده است. بنا بر اظهارات جعفری نماینده مردم ساوه، این مناقصات که به منظور تکمیل و تجهیز شبکه زیرساخت برگزار شده، ولی از آنجا که هدف مناقصه برنده کردن شرکت امریکایی بوده، مناقصه به نتیجه نرسیده است. در نوبت دوم مناقصه، امتیاز بالای شرکت آلکاتل بود که پس از گشایش پاکت قیمت، معلوم شد که بالاترین قیمت مربوط به آلکاتل و کمترین آن مربوط به یک شرکت چینی بوده است؛ با این حال، به جای احضار آلکاتل و درخواست تمکین به کمترین قیمت، مناقصه را باطل می کنند. این اختلاف قیمت شامل ۲۰

میلیون دلار بوده است؛ با آن که شبکه پیشنهادی شرکت چینی از شهر رزن تا همدان پیچ شده و جواب مثبت داده است. جعفری به حذف شرکت های چینی از سوی وزیر انتقاد داشت که بنا بر یک گزارش، مدیرعامل این خواسته وزیر را متناقض با مصالح ملی دانسته که پیگردهای قانونی دارد و در ضمن این کار خارج از اختیارات وزیر است. جعفری در سخنان خود به وجود دلالتی اشاره می کرد که می توان جای پای او را به عنوان دلالت الکتانل و از سوی دیگر واسط برخی در داخل و در بیشتر مناقصات دید. وی این سؤال را مطرح کرد که اگر ضوابط و مقررات حاکم است پس این دلالت چه کاره است.

احمد میدری که از توضیحات وزیر قانع نشده بود، با این انتقاد که چرا مناقصه ها الکترونیکی برگزار نمی گردد، به شفاف نبودن روند مناقصات اشاره کرد و این سؤال را مطرح نمود که: "آقای وزیر شما که می دانستید فرایند مناقصه تان شفاف نیست... چنانچه در اپراتور دوم هم که هنوز موعد تحویل اسناد تمام نشده، مناقصه برگزار می شود.

دکتر معتمدی در توضیحات مفصلی علت محدود بودن مناقصه ها را با تصویب شورای اقتصاد ذکر کرد که در صورت تنوع، تطبیق سیستم ها با هم پرهزینه و مشکل ساز خواهد بود. وزیر، اظهارات جعفری را غیر فنی دانست که به موجب آن ۴۰ میلیون دلار اختلاس را متوجه مخایرات می کرد. در حالی که این حرکت شش - هفت ماه توسعه شبکه تلفن همراه را به عقب انداخت و کار به سران قوا رسید، ولی خلاف این ثابت شد و دلیل برنده نشدن الکتانل هم همین بود. وزیر به توضیح پیرامون یکی دیگر از مناقصه ها پرداخت که به موجب آن در سال ۱۳۸۱، دو میلیون شماره در چارچوب خصوصی سازی به مناقصه گذاشته شد و برای آگاه شدن از تخلفات نامهای به سازمان های نظارتی داده شده تا وزیر از آنها مطلع باشد. نماینده قوه قضاییه مناقصه را دارای شبهه اعلام کرد که "چرا از هفت شرکت فقط سه شرکت بالا آمدند و دوش شرکت هم از اقوام مدیرعامل هستند (شرکت تعاونی صنعتی رفسنجان و یک شرکت دیگر) و با دخالت وزیر و فرصت داده شده، پنج شرکت بالا آمدند و این در حیطة نظارت وزیر است، نه دخالت. قطعاً نظارت آنجایی که مانع کار نشود و در صحت کار کمک کند مورد حمایت است."

همچنین وزیر مخابرات علت ابطال یکی دیگر از مناقصه ها را تکنولوژی پایین آن شرکت ذکر کرد، چرا که برای پنج درصد - ده درصد به خاطر آن که فلان شرکت وابسته به فلان نهاد است، شبهه کنیم که بخواهیم زیرساخت تمام مخابرات کشور را در اختیار جنس های بنجل و دست چنم بگذاریم، به طوری که وی به مدیر خود گفته است "طبق مقررات، امتیاز فنی طوری باشد که شرکت های درجه چندم نتوانند وارد بشوند."

میدری توضیحات وزیر را کافی ندانست و بار دوم در سخنان خود به توضیحات معاون پارلمانی مخابرات استناد کرد که به گفته وی شرکت های حاضر در مناقصه از سه به پنج شرکت تغییر یافته و قوه قضاییه هم موافقت کرده است. میدری این سؤال را مطرح کرد که حضور قوه قضاییه در دستگاه مخابرات به چه معناست؟ و اگر دستگاهی فشار بیاورد که مناقصه درست نیست، آیا باید مناقصات را باطل کرد؟ میدری تفاوت قیمت

الکتانل را طبق اسناد (۲۴) میلیون دلار ذکر کرد که حدود ۴۸ درصد بالاتر از نفر بعدی بوده است. وی آمار خود را از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مرکز پژوهش های مجلس اخذ کرده بود که با آمار وزیر تفاوت داشت.

دکتر معتمدی در سخنان خود در رابطه با مجتمع صنعتی رفسنجان و دستگاه های نظارتی گفت: "وجود دستگاه های نظارتی براساس قوانین بوده و هر کدام آزاده بکنند با یک نامه جلوی کار را می توانند بگیرند، ولی وزرا باید جوابگو باشند. به این دلیل صحت مناقصات باید مورد تأیید دستگاه های نظارتی قرار بگیرد و در غیر این صورت نمی تواند ادامه پیدا کند. نظارت هم مختص قوه قضاییه نبوده، بلکه وزارت اطلاعات، بازرسی ریاست جمهوری، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و چندین دستگاه دیگر را در بر می گیرد و تا این دستگاه ها توافق و تأیید نکنند، نمی توانیم کاری را ادامه دهیم." وی از مجلس خواست که "نشود بخش های نظارتی را خلاص تر کرده و با روش های ساده تری با مسائل برخورد شود.

موضوع دیگری که وزیر خود به آن پرداخت، بحث شنود بود که به خاطر حساسیت های رئیس جمهور تا ۹۵ درصد به آن سامان داده شده است. وی شاهد و مدعای خود را مصوبه شورای امنیت ملی ذکر کرد و سپس بخشی از نامه های را که از سوی وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۷ بود قرائت نمود. با این موضع که براساس مصوبات شورای عالی امنیت ملی، وزیر مخابرات و مدیران عامل استان ها به خصوص مدیرعامل استان تهران و بخش های مختلف فنی، همکاری نزدیک و بی شائبه ای دارند و به دلیل همین همکاری ها اجازه داده نشده است که ارگان های دیگر تاکنون خارج از ضوابط و هماهنگی دفتر مرکزی نظارت با شنود ام دی اف (M.D.F) اتاق های فنی) مخابرات در سراسر کشور ارتباط برقرار کنند. وی در حالی که مکاتبات محرمانه ای را در این رابطه تقدیم رئیس مجلس می کرد گفت: "پاسخ ما به این درخواست ها این است که نه به لحاظ فنی مقدور است و نه به لحاظ کنترل و ما این مسئولیت را نمی پذیریم." وی اطمینان داد که تا این لحظه کانالی داده نشده است؛ زیرا ارتباطات، حریم مردم است. اگر مسئولی اجازه بدهد که کسی وارد خانه مردم بشود، بنده هم باید اجازه بدهم و این کار نه شرعی است و نه قانونی." وزیر بار دیگر تأکید کرد که قاطعانه در برابر خواسته های غیر قانونی و خارج از عرف در عرصه سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایستادگی خواهد کرد، زیرا نمی توان در مورد مصالح ملی معامله کرد. پس از این توضیحات موسوی خوئینی در سخنان خود به شندهایی اشاره کرد که برخی مواقع در بعضی روزنامه های خاص چاپ می شود و این سؤال را مطرح کرد که آیا این شندها را وزارت اطلاعات به این روزنامه ها می دهد و با تأکید بر جواب منفی، نتیجه گرفت که "جای دیگری برای شنود وجود دارد." خوئینی ادامه داد: "اگر شما کابل نداده اید، پس باید از تکنولوژی و امکانات خاصی استفاده کنند." وی وزارت مخابرات را تنها مرجعی دانست که می تواند در این باره اظهار نظر کند. خوئینی در این رابطه به سندی به تاریخ ۸۲/۱/۲۷ اشاره کرد که به دلیل مسائل امنیتی قابل طرح از تریبون عمومی مجلس نبود و آن مکاتبه ای بود که بدون

اطلاع وزیر با زیر مجموعه او یعنی مدیرکل مخابرات استان تهران صورت گرفته و طی آن آیین نامه‌ای ابلاغ شده و آنها را مکلف کرده است بدین منظور که حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح به منظور کنترل خطوط تلفن مراکز شوند جداگانه‌ای ایجاد نموده و ارتباط کابلی آن را مراکز تلفن ام دی اف شرکت مخابرات برقرار می‌نماید و در تفسیر آن ذکر شده: "شرکت مخابرات موظف است در زمینه برقراری ارتباط مراکز شش ام دی اف حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح اعم از حفاظت اطلاعات ناجا، ارتش، سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح با مراکز تلفن ام دی اف همکاری لازم را به عمل آوردند." خوئینی با ابراز خوشحالی از این که براساس اظهارات وزیر، چنین اتفاقی تا به حال نیفتاده، خواهان این بود که در این مورد از سوی وزیر به نمایندگان اطمینان داده شود. خوئینی در پایان خواهان برگزاری یک جلسه رسمی غیرعلنی شد تا بتواند مسائل را به‌طور شفاف مطرح کند. خوئینی اصلاح شبکه موبایل را به این زودی‌ها محال دانست، زیرا با وجود پیمانکاران متعدد و با روند موجود یعنی دخالت‌های مدیریت و دورزدن مدیرعامل مخابرات با مجموعه‌های پایین تر ارتباط گیری می‌کنند و رأساً دستورات غیر کارشناسی صادر می‌کنند و این روند صحیح را مختل می‌کند.

دکتر متمدنی بار دیگر در پشت تریبون قرار گرفت و گفت: "مسئله شش ام دی اف دیگر یک مسئله سری و محرمانه و غیر قابل بیان نیست قاضی شود هم هسته اگر حکم بدهد، ما اصلاً نمی‌دانیم چه کسی حکم گرفته است، خودشان به‌طور مستقیم عمل می‌کنند. ممکن است بر این حکم کسی اعتراض داشته ولی به هر حال شایعه این است. وی ادامه داد: "ما چیزی را که به امضای ریاست محترم جمهوری ابلاغ نشده، اجرا نمی‌کنیم. حتی قانون مجلس را باید شخص ریاست جمهوری ابلاغ کند تا قابل اجرا باشد." و در جواب موسوی خوئینی که به نامه مجرمانه این استناد کرد پاسخ داد: "همین نامه را مدیرعامل استان تهران برای وزیر ارسال کرده و گفته است برای ما امکان پذیر نیست و بر این اساس بخش فاضلی در ۸/۱۶/۸۱ به استان‌ها ابلاغ شده که نظر به این که برای این مصوبات شورای امنیت ملی، طراحی و اجرای شبکه‌های ارتباطی غیر قابل دسترسی شود، خلاف قانون است، لذا خواهشمند است دستور فرمایید به تقاضای واضع در این خصوص ترتیب اثر داده نشود و موضوع را به دفتر مرکزی نظارت بر شش ام دی اف قضایی ارسال نمایند." دکتر متمدنی در ادامه بیان کرد: "قاضی رئیس جمهور هم دقیقاً در جریان این مسائل بودند." متمدنی به بازدید برخی نمایندگان در سال گذشته اشاره کرد که طی آن مشکلاتی در مخابرات در این رابطه مشاهده نشده است. وی با ذکر این نکته که یکی از طرق شنود مخابرات است، یادآور شد "طریق دیگر، جاسوسی است و مسئولیتش با دستگاه مخابرات نیست." وی شبکه تلفن سیاسی را مطرح نمود که پیش از انقلاب هم وجود داشته است و شاهد آن این که چندی پیش ریاست جمهوری در تماس تلفنی با وزیر گفته است: "بقیه مسائل را از تلفن به شما نخواهم گفت و اطلاعات را به وسیله یکی خواهم فرستاد."

علاوه بر اینها مسائلی نظیر قیمت گذاری، راکد ماندن سوییچ‌ها و ... مطرح شد که به روشن شدن موضوع استیضاح کمک می‌کرد و از سوی

بشاهن جام که دولت قانون گرا در راستای اهداف و وظایف خود عملاً با موازین روبروست که از کانال‌های رسمی و یا غیررسمی قانون شکنی می‌کنند و از این رو عزم جدی برای برخورد با راه‌های نقب و عبور غیرقانونی امری غیرناپذیر است.

گفتنی است که بحث مخابرات و مشکلات آن پایان نیافته، چنانچه علی حسینی نماینده مردم نهاوند و عضو کمیته تحقیق و تفحص مخابرات بیان کرده است، در پرونده تحقیق و تفحص از سرمایه گذاری مخابرات در یک شرکت ورشکسته آمریکایی به نام آپکو (شرکت تلفنی ماهواره‌ای) خبر می‌دهد که علی‌رغم قانون تحریم ایران، ممانعتی از سوی آمریکا هم به عمل نیامده است و در این سرمایه گذاری مسئولان مخابرات در سال ۱۳۷۷، بیست میلیون دلار از سهام این شرکت ورشکسته را خریداری کرده‌اند و هم‌اکنون ارزش این سهام به سه میلیون دلار سقوط کرده است. همچنین از اختلاف دویلمیون دلاری مسئول حسابداری که بابت حق ترازیت‌های مخابراتی از آمریکا دریافت نموده و سپس به آمریکا رفته است، پرده برمی‌دارد.

در تاریخ آمده که در زمان صدارت امیرکبیر، این کلام بر سر زبان‌ها افتاده بود که "رقم رمقی خواهد بود منظور اصرار و پیگیری میرزاتقی خان امیر کبیر بر اجرای قانون و گردن نهادن همه در برابر قانون بود که به آن "نظم میرزاتقی خانی" می‌گفتند. در شرایط کنونی چاره‌ای جز پافشاری بر قانون گرای و پیگیری‌های قانونی و تمکین در برابر قانون نیست منتها در این راه جدیت و حوصله و صبر و پیگیری‌های مستمر امری جدی است و می‌توان با قانون صحیح با هر نوع "ابزار قانونی" برخورد کرد و در این چالش جدی در دستگاه‌های اجرایی به افشای جریانات قانون شکن، در برابر افکار عمومی پرداخت.

پی نوشت:

۱- این مطلب را آیت‌الله مکارم شیرازی به عنوان موافق گفته است. در عشرح مذاکرات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی چنین می‌خوانیم: آقای خامنه‌ای در مقام مخالف اصل می‌گویند: "من مخالفم و عرض کنم که در آینده قوه قضاییه برخلاف آن چیزی که در جاهای دیگر است، ما قاضی را دارای شرایط اجتهاد و عدالت دانسته‌ایم. از طرفی برخلاف آنچه که اظهار شد، در فقه ما تأکید و تأکید مکرر در استقلال رای قاضی هست، تا جدی که به دو درجه‌ای آن بسیاری از برادران ما تردید دارند قاضی در دادگاه چه می‌کند؟ او دو عمل را تأکید می‌کند و یک رای در بین استخراج می‌کند، مانند ترکیب صغری و کبری برای اخذ نتیجه. مقداری از کار قاضی تشخیص موضوع است. برای این که با اطلاعی که برای استفاده از مقدمات اثبات جرم یا اثبات دعوا به هر حال کشف دلایل است، او تکلیف

یکی دیگر از اعضا، وجود هیئت منصفه را از باب تشخیص موضوع و کارشناس در همه دعاوی لازم می‌داند و همچنین از باب مشاوره که قاضی یک وقت اشتباهی نکند، در همه دعاوی باید باشد.

در اینجا نایب‌رئیس می‌گوید: «این الزامی است. آنها مستحب است، اینجا ما واجب می‌کنیم.» گفتنی است به هنگام رأی‌گیری از تعداد ۶۱ رأی، ۵۷ رأی موافق، ۲ رأی مخالف، ۲ رأی ممتنع بوده است که نشان از اهمیت موضوع دارد.



خودش را می‌فهمد؛ یعنی صغری را پیدا می‌کند و این کشف موضوع از دو حال خارج نیست، یا استفاده از نظر خبره است یعنی یک چیزی را نمی‌داند که چیست و احتیاج به کارشناس، خبره، پزشک قانونی یا حسابرس و اینها دارد، به طور کلی هر کسی که اطلاعاتش به کمک قاضی می‌آید و موضوع را روشن می‌کند اینها را در اصطلاح خبره و کارشناس می‌گویند و هیچ‌جا قاضی اجبار ندارد که نظر کارشناس را در قسمتی از موضوع، تعبدالقول کند، بلکه این را کاشف می‌داند و هر جا تردید کند می‌تواند به خبره دیگری مراجعه کند تا آنجا که یقین کند موضوع کشف شد. بنابراین هیئت منصفه در اینجا کار خبره را نمی‌کند و تازه اگر بکنند یک موجوداتی هستند ضعیف، اظهار نظر می‌کنند و می‌روند و قاضی می‌تواند قبول یا رد کند. منظور شما همین است؟ و در ادامه می‌گویند: «دیگر این که در کشف موضوع، قاضی به دلایل و امارات نگاه می‌کند، شهود باید شرایطی داشته باشند. احراز این خودش علم می‌خواهد و قانون یعنی طرز رسیدگی، قانون شکلی، استنباط از این شهادت که مخدوش هست یا نیست. باز هم علم خاصی دارد که قاضی متخصص است و فرض این است که مجتهد است و عالم است، شاهد شهادت، دلایل لفظی، امارات، اسنادی که هست اینها را که همه کشف می‌کنند برای روشن شدن موضوع، چه در دعاوی، چه در جنایات و چه در جنحه‌ها، بنابراین در کشف موضوع، قاضی نیاز به یک دسته خاصی به عنوان شریک در حکم ندارد. مگر این که مشاوره باشد و در قبول یا رد نظرش آزاد باشد. در حکمی که من گمان نمی‌کنم بالکل کسی باشد که هیئت منصفه را در حکم شریک بداند و به قاضی بگوید موضوع را تو تشخیص بده، حکم را اینها صادر می‌کنند، برای این که اولاً در دنیا کمتر این جور هست. شاید فقط یک‌جا این‌طور باشد که حکم بکنند و به علاوه ما مجتهد را عالم به احکام می‌دانیم...»

نایب‌رئیس، استقلالش یک‌جا است ولی شرکتش فراوان است. آقای خامنه‌ای در نهایت راهکار انتخاب اعضای هیئت منصفه را از سوی مجتهدین پیشنهاد نمود.

همچنین نایب‌رئیس (شاهد دکتر بهشتی) در رابطه با شرایط و اختیارات هیئت منصفه می‌گوید:

در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی، خود این که جرم سیاسی و جرم مطبوعاتی علناً محاکمه بشود این جلوی بسیاری از مفاسد و مضیقه‌ها و دیکتاتوری‌ها را می‌گیرد. بنابراین، این را اگر بخواهند دستش بزنند و بگویند هر وقت که خلاف نظم تشخیص دادند سرری انجام بدهند، واقعاً مثل این است که این اصل را اصلاً ما نداشته باشیم؛ این است که روی تزامم این کار را می‌کنند.



توزیع سراسری: کتاب گستر

تلفکس: ۲۰۲۴۱۴۱ - ۲۰۲۴۱۴۲